

مدیران باید در اتاق‌های کوچک مستقر شوند!

۳ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۹

رجایی و باهنر» پرورش‌یافته‌ی اسلام بودند و شیفته‌ی روح قدسی و تحت‌تأثیر رفتار و عملکردهای حضرت امام و از این رو بود که هنگام اعلام وزرای کابینه و بعد از آن شهید رجایی بارها اعلام کرد که وزیرایش صددرصد مقلد امام خمینی هستند

یکی از آفت‌های بزرگی که نظام جمهوری اسلامی به ویژه از سال‌های به اصطلاح سازندگی به بعد، از آن آسیب‌دیده تجمل‌گرایی، اشرافیت‌طلبی و تفرعن‌زدگی برخی مسئولین و مدیران چه در حوزه‌ی اخلاق شخصی و چه در حوزه‌ی مشی سیاسی و مدیریتی است. مسئله‌ای که علاوه بر آنکه نمایانگر دوری از ارزش‌های اسلامی است، نشانگان آفت دوری از مردم و مردمی بودن هم هست.

ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات و تکلفات، از اصولی است که در تعالیم اسلامی به آن سفارش‌های فراوان شده که از ابتدای انقلاب، در سلوک فردی و سیاسی بنیان‌گذار انقلاب و نیز خلف ایشان بهترین نمود را داشته است. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی به دلیل مخالفت شدید ایشان با اشراف‌سالاری، سامان اشرافیت فاسد گذشته را درهم کوبید و امام (ره) پیوسته به مسئولان، دولتمردان و کارگران نظام اسلامی تأکید می‌کردند که هرگز به سمت اشرافی‌گری و اخذ خلق و خوی اشرافی‌گری نروند و بدانند که نخستین گام به سوی اشرافی‌گری، به معنای بازگشت از مسیر اصیل انقلاب و دست برداشتن از ارزش‌های اصیل انقلاب و پانهادن در ورطه‌ی انحراف است.

الف) سلوک فردی و حکومتی شهیدان رجایی و باهنر

از صدر انقلاب تاکنون، می‌توان گفت، از میان مسئولین دولتی، شهید رجایی و نیز شهید باهنر به‌عنوان سمبل و نماد اخلاق‌مداری، ساده‌زیستی و اشرافیت‌گریزی دولتمردان شناخته می‌شوند.

الف-۱) ساده‌زیستی و مقابله با ثروت‌اندوزی:

بارزترین ویژگی شهید محمدعلی رجایی، دومین رئیس‌جمهور اسلامی ایران، ساده‌زیستی او بود. در رفتارهای حکومتی شهید رجایی آمده است که اطرافیان شهید رجایی، سال‌ها او را با یک کت و شلوار ساده‌ی قهوه‌ای رنگ می‌دیدند. ثبات و سادگی پوشش او، مانند متانت، صفا و تواضعی که در رفتار از خود نشان می‌داد، برای همه آموزنده بود. او پیش از انقلاب و پس از آن، هرگز بر

سر سفره‌های چرب و شیرین ننشست و اگر به ضرورت ناچار می‌شد، جز از یک طعام نمی‌خورد. از مال دنیا ثروتی نیندوخت و خانه‌ی ساده و محقر او در جنوب شهر تهران، حتی در دوران نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری‌اش نیز به همان وضع ساده‌ی دوران معلمی‌اش در سال‌های پیش از انقلاب باقی ماند. یکی از مصوبات شهید رجایی این بود که همه‌ی مدیران باید در اتاق‌های کوچک مستقر بشوند و خودش نیز در اتاق کوچک منشی‌ها مستقر بود و همان اتاق را برای خود انتخاب کرد. حساسیت خاص او بر عدم استفاده‌ی شخصی از بیت‌المال و جلوگیری از اتلاف و اسراف آن، از دیگر ابعاد خصوصیت اشرافیت‌گریزی و ساده‌زیستی شهید رجایی است.

الف-۲) ثبات روحی و اخلاقی، پیش و پس از مقام:

امام خمینی (ره) ثبات روحی و اخلاقی شهید رجایی و شهید باهنر، پیش از دستیابی به منصب و بعد از دستیابی به منصب را ویژگی بزرگ آن‌ها می‌شمارند و چنین می‌فرمایند: «من از خصوصیات که در این آقایان بود، آقای رجایی، آقای باهنر، آقای عراقی، آنی که به نظرم خیلی بزرگ است، این است که آقای رجایی یک نفر آدمی بود که در بازار دست‌فروشی از قراری که گفتند من در مطالعاتی که در ایشان کردم به نظرم آمد که از حال دست‌فروشی‌اش تا حال ریاست‌جمهوری در روح او تأثیری حاصل نشد. چه بسا اشخاصی هستند که اگر کدخدای ده بشوند، تغییر می‌کنند به واسطه‌ی ضعفی که در نفسشان هست؛ تحت تأثیر آن مقامی که پیدا می‌کنند واقع می‌شوند و اشخاصی هستند که مقام تحت تأثیر آن‌هاست از باب قوت نفسی که دارند و آقای رجایی و آقای باهنر در عین حالی که خوب یکی‌شان رئیس‌جمهور بود، یکی‌شان نخست‌وزیر بود؛ این طور نبود که ریاست در آن‌ها تأثیر کرده باشد، آن‌ها در ریاست تأثیر کرده بودند؛ یعنی آن‌ها ریاست را آورده بودند زیر چنگ خودشان، ریاست آن‌ها را نبرده بود تحت لوای خودش.» [۱]

الف-۳) روحیه‌ی خدمتگزاری به مردم و تعهد به اسلام

تعهد و خدمتگزاری، مردم‌داری و برآمدن از بطن مردم، ویژگی ممتاز شهید رجایی و نیز مضمون بارز بیانات حضرت امام نسبت به دولت رجایی و شخص ایشان است. حضرت امام شهادت این عزیزان را که متعهد به اسلام و مفید برای جامعه [صحیفه‌ی امام، ج ۱۵، ص ۱۶۴، ۱۲ شهریور ۵۹] بودند برای ملت سوگ‌آور خوانده و می‌فرمایند: «اشخاصی که ما از دست می‌دهیم هر یک از آن‌ها یک ذخیره‌ای است برای کشور ما و برای اسلام ما. هر یک از این‌ها مردانی هستند که به تنهایی نظیر یک جمعیت هستند، متعهد و متوجه خدا... این‌ها خدمتگزارانی بودند که هر کدام از آن‌ها یک جمعیت بودند متعهد بودند و به اسلام معتقد بودند.» [۲]

حضرت امام (ره) همچنین اذعان می‌دارند: «ارزش این آقایان به این بود که خودی بودند، با مردم بودند و برای مردم خدمت می‌کردند.» [۳]

ب) پیامدهای اشرافیت‌گرایی با توجه به سلوک حکومتی شهیدان رجایی و باهنر

برخورداری از مناصب موروثی در حاکمیت، دارا بودن نفوذ و ارتباطات گسترده با حاکمیت و کانون‌های قدرت سیاسی و مالی جامعه، زندگی پرتجمل و سرشار از اسراف، ورود مسئولین و خانواده‌ی آن‌ها در مواضع و کانون‌های متعدد قدرت، خود برترینی شخصی و طبقاتی، تفاخر، احساس رابطه‌ی ارباب و نوکری داشتن با مردم، احساس اینکه توده‌ی مردم خاصیتی غیر از خاصیت ابزار بودن ندارند، احساس اینکه توده‌ی مردم فهم و شعوری ندارند و در نتیجه برای آن‌ها راهی به حوزه‌ی قدرت و حکومت نیست و... از ویژگی‌های اشرافیت‌گرایی در عرصه‌ی سیاسی است.

ب-۱) اشرافیت‌گرایی، عامل وابستگی و خضوع در برابر بیگانگان

امام خمینی در هفتم شهریور سال ۱۳۶۱ و در آستانه‌ی سالگرد شهادت شهید رجائی (رئیس‌جمهور) و شهید باهنر (نخست‌وزیر) که از همان زمان این ایام به هفته‌ی دولت مشهور و نام‌گذاری شد. در دیدار با هیئت دولت، نجات ایران از اشراف‌سالاری را از عنایت‌های بزرگ خداوند و از نعمت‌های بسیار ارزشمند انقلاب اسلامی برشمردند و درباره‌ی برخی زیان‌های مهلک اشراف‌سالاری و گرایش به اشرافیت چنین فرمودند: «سرچشمه‌ی همه‌ی مصیبت‌هایی که ملت‌ها می‌کشند این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان به اصطلاح خودشان- از آن‌ها باشد و آن‌ها این طور هستند، اشراف و اعیان این طور هستند که تمام ارزش‌ها را به این می‌دانند که آنجایی که زندگی می‌کنند بهتر از دیگران باشد، آن رفتاری که مردم با آن‌ها می‌کنند، رفتار عبید با موالی باشد، تمام افکارشان متوجه به این مسائل است... این یکی از الطاف بزرگ خدا بود که حکومت جمهوری اسلامی را و متصدیان امور اسلامی را از قشر مرفه و از آن اشراف و اعیان و «سلطنه» ها و «ملک»ها و این‌ها قرار نداد و این اسباب آن شد و می‌شود که وقتی که بنا شد که یک اشخاصی زندگی‌شان یک زندگی عادی باشد و ارزش را در این زندگی هم ندانند، ارزش را به ارزش انسانی، ارزش اسلامی بدانند. ارزش اخلاقی بدانند، اگر یک حکومتی ارزش‌های این طور ارزش باشد که ارزش اسلامی باشد، بخواهد خدمت به نوع خودش بکند، خودش را خدمتگزار بداند، اگر دیدش این باشد، قهراً ملت با اوست و قهراً نمی‌تواند یک قدرت خارجی او را تحت تأثیر قرار بدهد.

همیشه قدرت خارجی برای اینکه بر مردم مسلط شود، این بالاتری‌ها را می‌ترساند. آن‌ها هم از باب اینکه تمام توجه‌شان به این بود که در بین ملت قدرتمند باشند، دارای یال و کوپال باشند، آن‌ها را تسلیم می‌شد برای اینکه به این‌ها ظلم نکنند... شما می‌دانید که در جمهوری اسلامی، مقامات آن معنا را که در سابق داشت از دست داده‌اند، نه رئیس‌جمهورش و نه نخست‌وزیرش و نه سایر وزرایش این طور نیستند که خیال بکنند که ما یک مقام بالایی یا والامقام هستیم و ما «حضرت اشرف» هستیم و نمی‌دانم کذا. این جور نیست. آن‌ها می‌بینند که ارزششان در بین جامعه، در همه جا این است که خدمت بکنند، خدمتگزار باشند، نه ارزش به این است که به مردم حکومت کنند.»

دقیقاً با توجه به این پیامد خطرناک اشرافیت‌گرایی است که حضرت امام، توجه به کاخ‌نشینی در بین مسئولین را روز فاتحه خواندن برای کشور می‌خواندند. [۴]

اشراف‌سالاری و گرایش مسئولان و دولتمردان به اشرافیت، نه تنها در حوزه‌ی زندگی شخصی، یک انحراف از زندگی مؤمنانه است بلکه در بعد سیاسی و اجتماعی نیز اولاً سبب ستم به مردم می‌شود و ثانیاً زمینه‌ی تسلط بیگانگان بر جامعه را پدید می‌آورد. ذات انباشته شدن ثروت در دست عده‌ای خاص یا صنفی خاص یا خاندان‌هایی خاص، که نماد روشن اشرافیت است، به این مفهوم است که ثروت و امکانات کشور و جامعه به طرق پیدا و پنهان از دست عموم مردم ربوده شده و حق طبیعی محرومان سلب گردیده و در نهایت به جیب طبقه‌ی ویژه‌ای که اشراف هستند، انتقال یافته است.

از این رو، حضرت امام استغنائی شهید رجایی از قدرت و ثروت را عامل استقلال سیاسی و فکری وی از بیگانگان و اصحاب قدرت می‌داند: «وقتی بنا شد که یک نفر رئیس‌جمهور شده یا یک نفر نخست‌وزیر است، آقا منزلش آن طوری است و وضع عادی‌اش این طوری است. این دیگر نمی‌شود که از یک قدرت بزرگی بترسد. برای چه بترسد این را که از او نمی‌گیرند. آن باید بترسد که می‌خواهد چپاول کند و می‌خواهد یک حکومت کذایی بکند، آن باید بترسد.» [۵]

بر این اساس، ضروری است که مسئولین نظام اسلامی، به خصوص در رده‌های بالای مدیریتی، همواره از میان توده‌های مردمی برخیزند و دردها و دغدغه‌هایشان، درد مردم و عموم جامعه و نه مرفهین و طبقات فرادست باشد. سبک زندگی شخصی و سلوک حکومتی شهیدان رجایی و باهنر، بهترین اسوه‌های تجربه‌شده‌ی مسئولیت‌های بالا در جمهوری اسلامی است. سلوکی که نه از سر روی و ریا که دل در گرو تقوا و خداترسی داشته است. «رجایی و باهنر» پرورش‌یافته‌ی اسلام بودند و شیفته‌ی روح قدسی و تحت‌تأثیر رفتار و عملکردهای حضرت امام و از این رو بود که هنگام اعلام وزرای کابینه و بعد از آن شهید رجایی بارها اعلام کرد که وزرایش صددرصد مقلد امام خمینی هستند. [۶] (*)

پی‌نوشت‌ها

[۱] صحیفه‌ی امام، جلد ۲۰، ص ۱۲۴ تا ۱۳۰.

[۲] صحیفه‌ی امام، جلد ۱۵، ص ۱۴۷، ۱۰ شهریور ۶۰.

[۳] صحیفه‌ی امام، جلد ۱۶، ص ۴۶۹، ۷ شهریور ۶۱.

[۴] همان، جلد ۱۷، ص ۳۷۱ تا ۳۸۴.

[۵] صحیفه‌ی امام، جلد ۱۶، ص ۲۴۲ تا ۲۴۵.

منبع: برهان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۱۳۴۲/مدیران-جابد-تاق-جابد-مدیران>